

رمز ماندگاری ملت ایران؛ مقاومت در برابر استکبار

۲ آبان ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۰۷

این گزاره ها مهمترین محورهای بیانات رهبر انقلاب در صحن مطهر رضوی را تشکیل داده است. با بررسی کمی و کیفی بیانات معظم له، تاکیدات ایشان مبنی بر «عقب ننشستن ایران مقابل حرف زور استکبار» را می توان یکی از مهمترین رهنمودهایی دانست که ایشان بارها و در لابه لای فرمایشات خود به بهانه های گوناگون بدان تاکید نموده اند. اما به راستی دلیل تاکیدات مکرر رهبری عالی نظام در این رابطه چیست؟، این موضوع را می توان از سه منظر گذشته، حال و آینده مورد تدقیق قرار داد.

جوان و تاریخ- شهاب الدین سینائی

امسال نیز به سنت سالهای گذشته رهبر معظم انقلاب در اولین دیدار نوروزی خود با آحاد ملت در رواق امام خمینی بارگاه ملکوتی امام رضا(علیه السلام) نکات و موضوعات اساسی یکسال آینده را با مردم و مسئولان دولتی مطرح ساختند. با بازخوانی دوباره این بیانات مهم، رهنمودهای ذیل قابل استخراج است:

- امر به معروف و نهی از منکر، به نوعی زیربنای همه حرکات اجتماعی اسلام است
- تخریب منتقدان توسط دولت خلاف تدبیر و اعتدال است.
- آحاد ملت و گروه های سیاسی منتقد دولت می توانند و به تعبیر صحیحتر باید «دلواپس و نگران» شرایط کشور و دولت باشند.
- سازش با استکبار اشتباهی است که تاکنون نیز بارها اثبات شده است.
- من(رهبری) به رغم حمایت از تمام دولتها چک سفید امضاء به هیچ دولتی نمی دهم.
- با پذیرفتن حرف زور استکبار و زیر بار حرف زور استکبار رفتن هیچ مشکلی حل نخواهد شد.

- رئیس جمهور آمریکا در پیام نوروزی خود بازهم دروغ گفت.

- هدف فعالیتهای اقتصادی باید سرمایه گذاری روی تولید ملی باشد.

- آمریکا بیش از ایران به مذاکرات احتیاج دارد.

- مذاکره با آمریکا و غرب صرفاً بر سر موضوع هسته ای است و نه موارد دیگر.

- رفع تحریمهای اعمالی ظالمانه علیه ایران باید جزئی از توافق بوده و بلافاصله پس از توافق اجرایی شود نه اینکه نتیجه مذاکرات باشد.

- و ...

این گزاره ها مهمترین محورهای بیانات رهبر انقلاب در صحن مطهر رضوی را تشکیل داده است. با بررسی کمی و کیفی بیانات معظم له، تاکیدات ایشان مبنی بر «عقب نشستن ایران مقابل حرف زور استکبار» را می توان یکی از مهمترین رهنمودهایی دانست که ایشان بارها و در لابه لای فرمایشات خود به بهانه های گوناگون بدان تاکید نموده اند. اما به راستی دلیل تاکیدات مکرر رهبری عالی نظام در این رابطه چیست؟، این موضوع را می توان از سه منظر گذشته، حال و آینده مورد تدقیق قرار داد.

اول) درسهایی که تاریخ معاصر به ایران می دهد(گذشته)

مروری بر ادوار گوناگون تاریخ کشورمان به ویژه در یکصد سال اخیر عبرتهای فراوانی را در این رابطه در اختیار می گذارد. حوادث مهمی چون «انحراف مشروطه»، «آشوب پس از مشروطه»، «وضعیت نابه سامان ایران در جنگ جهانی اول»، «روی کار آمدن دیکتاتوری رضا خان»، «اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم»، «سرنوشت نهضت ملی شدن نفت ایران و دولت دکتر محمد مصدق» و ... همه و همه نشان از تجربیات تلخی دارد که همه در نتیجه تسلیم شدن در برابر زور عاید کشورمان شده است. این تجربیات تلخ تاریخی بینشی را در اختیار می گذارد که بنا بر آن هرگونه تسلیم در برابر قدرتهای زورگوی دنیا را از اساس رد می کند. بی تردید ذهنیت تاریخی که بیش از هر چیز برخاسته از و تجربیات تاریخی یک کشور است یکی از پایه های اصلی عقلانیت آن کشور را تشکیل می دهد. بر اساس چنین ذهنیت تاریخی ای است که رهبری عالی نظام مکرراً بر ضرورت مقاومت و عدم وادادگی در برابر قدرتهای بزرگ دنیا حال انگلستان باشد یا آمریکا تاکید نموده اند.

دوم) وضعیتی که در آن به سر می بریم(حال)

وضعیت کنونی کشور به جهات گوناگون به ویژه در نوع تنظیم و اجرای روابط خارجی و به خصوص نوع مناسبات ما با «شیطان بزرگ» ویژگی «منحصر به فرد» بودن را با خود به یدک می کشد. در هیچ دولتی از دولتهای پس از انقلاب نوع مناسبات ما با غرب و به خصوص دولت ایالات متحده اینگونه نبوده است. همین مساله خواه ناخواه و با عنایت به همان ذهنیت تاریخی ای که بدان اشاره شد، نگرانی و دلواپسی را برای هر انسان دغدغه مندی به همراه دارد. هرچند این موضوع را می توان با دو عینک «خوش بینانه» و «بدبینانه» نگرینست لکن نکته اساسی آنست که فارغ از نوع نگاه ما، آمریکا، غرب و اصولاً تمام دولتهای دنیا در تنظیم نوع مناسبات خود با دیگر کشورها تنها منافع ملی خود را مد نظر قرار می دهند و نه چیز دیگر. نزدیکی بیش از حد به دولتی که چه خوشمان بیاید و چه خوشمان نیاید «امپریالیست ترین» دولت جهان است هرچند شاید در کوتاه مدت منافع اندکی را برای کشور و به عبارت صحیحتر برای دولت وقت (یازدهم) در بر داشته باشد و باعث حل و فصل برخی مشکلات اقتصادی گردد لکن بنا به تجربه تاریخی ملت ایران و بسیاری دیگر از ملتها در میان مدت و به خصوص در بلند مدت تماماً ضرر و زیان بوده است. نگاهی به نوع مناسبات دولت ایالات متحده با بسیاری از کشورهای خاورمیانه از جمله مصر و بسیاری از کشورهای آمریکای جنوبی چون آرژانتین به وضوح این ادعا را اثبات می نماید. این امر و حساسیت بر نوع رابطه با دولت ایالات متحده را باید بر خاسته از «بدبینی» (البته در معنای واقع بینی) دانست و نه «بدخواهی».

دوم) نتایج و پیامدهای کرنش در برابر زورگویان (آینده)

در حیات وحش قانونی وجود دارد مبنی بر اینکه هرگاه دو حیوان درنده با یکدیگر مواجه شوند، آنکه ترس بیشتری از خود نشان دهد و در معنای صحیحتر در برابر دشمن زودتر «تسلیم» شود، محکوم به شکست است. اساساً حتی در حیات وحش تنها قدرت فیزیکی طرفین تعیین کننده نتیجه نبرد نخواهد بود بلکه تسلیم شدن در برابر زورگویان خود موجبات تهاجم و درندگی بیشتر حریف را در بر خواهد داشت. این امر به طرق دیگر در نظام بین الملل که از جهات بسیاری با حیات وحش مشابهت دارد نیز مصداق دارد. به عبارت دیگر تسلیم در برابر زورگویی دشمن موجبات شکست و هزیمت یک ملت را به بار می آورد. عینی ترین و نزدیکترین نمونه های تاریخی این موارد را می توان در نوع برخورد ویتنام و عراق در برابر تهاجم و تجاوز دولت ایالات متحده به نظاره نشست. ویتنام به رغم عدم برخورداری از تجهیزات خاص نظامی با تسلیم نشدن در برابر زورگویی دولت ایالات متحده یکی از شکستهای تاریخی را به آمریکا تحمیل کرد با اینحال عراق در زمان صدام با تمام ادعاهای خود تنها به دلیل تسلیم شدن زود هنگام در برابر ایالات متحده یکی از آسانترین پیروزی ها را نصیب آمریکا ساخت. به عبارت دیگر عدم مقاومت در برابر دولتهای زورگویی چون آمریکا تنها موجبات درندگی بیشتر آنها را فراهم خواهد ساخت. نکته پایانی آنکه تسلیم شدن در برابر زورگویان نه تنها «منافع ماندگاری» را عاید این نسل نخواهد کرد بلکه بی تردید خسرانهای جبران ناپذیری برای نسلهای آینده به بار خواهد آورد.

